

شرح شکنجه و عذاب در دو سوی دیوار های سنگی زندان پلچرخي

نوشته: معلم عبدالرسول

کلمات اندوهگین بود و تلخ
کلمات شادمانه بود و سرشار از امید
کلمات شجاع بود و قهرمان وار
کلمات آدمیان بودند

(ناظم حکمت)

سپاس از خواهر درد دیده و مبارز ما خانم «رحیمه توخی» برای نوشتن کتاب پر بهای "خاطرات هشت سال پایوازی زندان پلچرخي". این کتاب گوشه ها و زوایائی از عمق و گستردگی جنایت سازمان یافته و سیستماتیک سوسیال امپریالیست های اشغالگر و حزب و رژیم مزدور و جلاد پیشه "خلقی - پرچمی" را و در عین حال درد و عذاب بیکران ناشی از این جنایت را بر زندانیان و خانواده ها و بستگان آنها در دو سوی دیوار از زبان یک همسر و یک مادر درد دیده، به اختصار به تصویر میکشد.

من و خانواده ام مثل هزاران درد دیده و شکنجه شده دیگر، منحصی قربانیان این جنایت در دو طرف این دیوار های سنگی، بازوایی، تدوین و بازتاب گوشه های این جنایت هولناک و دردهای جانکاه قربانیان مستقیم و غیر مستقیم در یک کتاب، توسط این بانوی مبارز و شجاع را به دیده قدر نگریده و به ارزشمندی چنین کاری به خوبی واقف هستیم.

متیقن هستم که سواي شکنجه گران و جلادان و کلیه منسوبان حزب و حاکمیت پوشالی مزدور و قاتل "خلق و پرچم" و نیز سواي آنانی که در مدت های طولانی اشغال کشور ما از گذشته تا حال از اشغال؛ از جنگ، خون و باروت؛ از شکنجه، اعدام، زندان و انتظار پشت دروازه های زندان تجربه حسی و روایت مستقیم نداشته، و به گفته سعدي بزرگ "از محنت دیگران بی غم" بوده اند؛ همه ستم دیدگان و قربانیان سوسیال فاشیسم شوروی و جلادان خلقي، پرچمی و خادی آن، در این کتاب خاطرات، شمه ئی و گوشه هائی از ستم و درد بیکرانی را منعکس می یابند که بر آنها رفته و کشیده اند.

بی شک، انگیزه تدوین این خاطرات پر درد برای خانم رحیمه توخی در یک مجموعه و چاپ و توزیع آن، کسب نام و نان نبوده است. بالعکس محور توجه نویسنده کتاب "خاطرات هشت سال پایوازی زندان پلچرخي" افشاء و بازتاب دادن جنایت های سازمان یافته فوق در حق مردم ستمدیده ما و قربانیان آن (منجمله شوهرش کبیر توخی و خودش) بوده است. رحیمه توخی تنها بیننده، شنونده و نویسنده رنج و عذاب خانواده ها و پایواز های زندانیان باستیل پلچرخي نبوده، بلکه از جمله همین قربانیان است. او مانند سائر قربانیان فجایع و جنایت های هولناک و بی سابقه روسی، خلقي، پرچمی در حق مردم افغانستان و زندانیان افغان، باید تا پایان عمر ناراحتی های ناشی از درد و شکنجه روانی آن دوران را با خود حمل کند. نقش و شخصیت مبارزاتی و زاویه نگرش خانم رحیمه توخی به ارزشمندی این اثر می افزاید.

علاوه بر این، رحیمه توخی منحصی یکی از هواداران فعال جنبش انقلابی افغانستان، در گذشته دوشادوش مردان در کارزار مخاطره آمیز مبارزات انقلابی و آزادیخواهانه سهم گرفته و بارها میزبان انقلابیونی بوده است که بعداً یا در شکنجه گاه ها و پولیگون ها و یا توسط جلادان ارتجاع هار اسلام سیاسی جان باخته اند. هم اکنون نیز خانم توخی با تن بیمار و رنجور خود پیوند مبارزاتی با گذشته اش را دور از وطن نیز تداوم بخشیده و با اشعار و اشتراک در محافل و گردهم آئی های سیاسی - انقلابی و حتی تظاهرات خیابانی این پیوند را زنده نگهداشته است.

عمرش دراز،

قلمش پر رنگ

و دستانش پرتوان باد!

یازدهم اکتوبر 2011